

بسم الله الرحمن الرحيم

شرح خطبه فدکیه - جلسه چهاردهم

دستگاه خلافت دو رویکرد در برابر ادعای حضرت زهرا سلام الله علیها داشت؛ یکی این که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در زمان حیات اموال زیادی از جمله فیه و خمس در اختیار داشتند ولی بعد از رحلت، ارثی بر جا نگذاشتند و آن چه از ایشان باقی می ماند صدقه و وقف است و باید در اختیار عموم مسلمین قرار گیرد و اگر کسی ادعایی دارد که حضرت در زمان حیات، مالی را به ایشان بخشیده اند باید شهود بیاورند. رویکرد دوم این بود که فیه و اموال دیگر ملک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نبود و متعلق به عموم مسلمین بوده و شأن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان زمامدار فقط اداره کننده امور است که در جای خود مصرف شوند. عمده گزارشات مربوط به رویکرد اول است؛ در رویکرد دوم ارث و شهود کلاً منتفی می شود و ادعای خیلی بزرگتری است. شواهد نشان می دهد در ابتدا رویکرد اول را داشتند و بعد که جا افتاد رویکرد دوم را اتخاذ کردند. در رویکرد دوم نقل های مختلفی وجود دارد: نقل اول از احمد بن جوهری: در کتاب خود به نام سقیفه و فدک گزارشات خوبی دارد از قول هشام بن کلبی از پدرش می گوید: حضرت فاطمه سلام الله علیها: «ایمن شهادت می دهد که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فدک را به من بخشیدند.» ابوبکر: «ای دختر رسول الله! به خدا قسم خداوند کسی را در عالم خلق نکرده محبوب تر از پدرت نزد من، به خدا دوست داشتم آسمان و زمین کن فیکون شود روزی که پدر شما از دنیا رفتند، به خدا قسم برای من محبوب تر است دخترم عایشه فقیر شود و شما فقیر نشوید، آیا شما اینطور فکر کرده اید که من حق هر کسی را

بدهم و حق شما را پایمال کنم؟ ولی این اموال متعلق به پیامبر نبوده، بلکه متعلق به مسلمین بوده، اموالی بود که پیامبر در راه خدا، در راه جنگ و جهاد خرج می‌کردند و وقتی پیامبر از دنیا رفتند این شئون حاکمیتی باید در اختیار حکومت قرار بگیرد این اموال شخصی نبوده است.» حضرت فاطمه: «به خدا دیگر با شما صحبت نمی‌کنم.» ابوبکر: «به خدا من با شما قهر نمی‌کنم و مطلقاً از شما روی بر نمی‌گردانم و احترام شما را نگه می‌دارم.» حضرت فاطمه: «به خدا قسم تو را نفرین می‌کنم.» ابوبکر: «به خدا من برای شما دعا می‌کنم.» وقتی نزدیک وفات حضرت شد، فرمودند: «ابوبکر بر من نماز نخواند.» و شب حضرت را دفن کردند و عباس ابن ابیطالب بر ایشان نماز خواندند. ۷۲ شب با رحلت پیامبر فاصله بود. نقل دوم از بلاذوری در کتاب انصار آمده: (در کتاب تاریخ مدینه هم این مضمون آمده است) محمد بن صائب ملکی پدرش شان بزرگی دارد، از چند نقل از ام هانی که خواهر امیرالمومنین علیه السلام بوده و شخصیت بسیار والا و دارای جایگاه اجتماعی بود، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «از زنان اهل بهشت است.» نخستین محدثه و راوی حدیث بوده است، حدیث‌هایی درباره فدک و حدیث ثقلین را نوشته. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از ایشان خواستگاری کردند؛ ولی او عذر آورد. از قول ام هانی نقل شده: حضرت زهرا سلام الله علیها فرمودند: «ابوبکر! وقتی تو مردی چه کسی از تو ارث می‌برد؟» ابوبکر: «بچه‌ها و خانواده ام.» حضرت فاطمه: «پس چگونه می‌شود از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تو ارث می‌بری ولی ما که فرزندان حضرت هستیم ارث نمی‌بریم؟» ابوبکر: «ای دختر رسول الله! من چیزی ارث نبردم، نه درهم، نه دینار و نه کذا و کذا.» حضرت فاطمه سلام الله علیها: «پس سهم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از فدک که بخشیدند، کجا رفت؟ شما غصب کردید.» ابوبکر: «نه من غصب نکردم، این چیزی است که خود پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: تمام آن چیزی که در دست من است از آن استفاده می‌کنم برای خودم، خانواده ام و بقیه مومنین، طعمه ای است که خداوند

در اختیار من قرار داد و وقتی از دنیا رفتم در اختیار مؤمنین قرار می‌گیرد.» معنای طعمه غذای مهمانی است، یعنی آن چیزی که از آن رزق به دست می‌آید، یعنی اول خداوند این اموال را در اختیار پیامبر قرار داده که زندگی خود و خانواده خود را تأمین کنند و مثل مهمانی، مالک سفره نیستند و پس از رحلت حضرت به عموم مسلمین می‌رسد. نقل سوم: نقل هایی است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ماترکی نداشتن، اصل ملکیت را نفی نمی‌کند ولی بخشی را مثل فیء مالک نبودند و بخشی که مالک بودند مثل خمس آنها را وقف مسلمین کردند و در نهایت چیزی به عنوان ماترک وجود ندارد. در تاریخ مدینه ابن شبه نقل های مختلفی آمده است:

۱. نقل عایشه: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هیچی، یک دینار، یک درهم، برده ای، کنیزی، گوسفندی، مرکبی، هیچی نگذاشتند.

۲. در نقل دوم اضافه بر آن از عایشه آمده است: نه چیزی باقی گذاشتند و نه هیچ وصیتی کردند. نکته این است که، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وصیت نکرده اند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که آیه وصیت را برای مؤمنین خوانده‌اند خودشان وصیت نکرده اند؟ مگر از قول پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل نشده که اگر کسی بدون وصیت بمیرد مانند مرگ جاهلی مرده؟ مگر از قول حضرت نیامده: شایسته نیست برای مسلمان شب را به صبح برساند و وصیتش زیر سرش نباشد؟ مگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نفرمودند: «هر کس هنگام مرگ وصیت نکند، از نظر عقل کمبود دارد؟» اگر به این موضوع قائل شویم، فرمایشات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای خودشان صدق می‌کند؟ آیا این تعبیر قرآن شامل حضرت نمی‌شود که چرا چیزی می‌گویید که عمل نمی‌کنید؟ یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مشمول خشم خدا قرار بگیرند؟ وقتی دیدند مهم‌ترین امر اجتماع که مسئله زعامت است به راحتی منحرف شد و جامعه آن را پذیرفت و خلافت را به فضای عرفی بردند و غدیر را انکار کردند، انکار

بقیه موارد برای آنها کار ساده‌ای بود. در کتاب سقیفه از منابع سنی آمده جنازه پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم روی زمین بود و آنها برای خود برنامه می‌چیدند. بعد به امام علی علیه السلام اعتراض کردند که شما در آن جمع حاضر نبودید، حضرت فرمودند: «من مشغول تجهیز دفن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بودم. وقتی قانون ارث را تخصیص زدند و خطوط قرمز را رد کردند، حمله به منزل حضرت زهرا سلام الله علیها امری عادی می‌شود.

۳. نقل سوم از ابو حارث: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چیزهایی به ارث گذاشتند، سلاح، مرکب و استر سفید رنگ و زمینی که البته آن را وقف فرمودند.

۴. نقل چهارم: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هیچی باقی نگذاشتند، فقط زرهی بود که آن را هم گرو گذاشته بودند و پولی قرض گرفته بودند. تمام این موارد از اسناد اهل سنت آمده حتی در منابع شیعی مثل کتاب های طرائف و الغدیر علامه امینی نیز روایات از قول اهل سنت بیان شده چون آنها شیعه را متهم به افراطی گری می‌کنند.

حوزه مجازی مهندس طلبه: www.onlinehawzah.com

شبکه‌های اجتماعی: [@onlinehawzah_com](https://www.instagram.com/onlinehawzah_com)

اللهم صلی علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم